

منطق، ترازوی اندیشه



چی می‌خونیم؟ # منطق # مغالطه # تصوّر - و - تصدیق # تعریف - و - استدلال

تعریف منطق و هدف آن

قبل از هر چیز باید بدانیم منطق چیست و چه هدفی دارد؟

منطق یک علم است. علمی که به ما کمک می‌کند تا از خطای اندیشه بهره‌بیزیم؛ خطاهایی که به دلایل مختلف، ذهن خیلی از ما هنگام فکر کردن به آن دچار می‌شود و باعث بروز اشتباهات پیدا و پنهان در گفتار و رفتارمان می‌شود. وقتی می‌گوییم خطای اندیشه، منظورم ابهاماتی است که از گفتار و رفتار دیگران برای ما ایجاد می‌شود و ذهنمان را از مسیر اصلی منحرف می‌کند. مثلاً وقتی در مناظرات نامزدهای انتخابات، هر یک نقطه‌ضعف‌های طرف مقابل را با آب‌وتاب بیشتر به رخ او می‌کشد، سعی دارد تا با کوچک‌نمایی نقطه‌ضعف‌های خودش، ذهن مخاطب را درگیر ضعف‌های طرف مقابل کند. این‌جور وقت‌ها برای اکثر مردم ابهاماتی ایجاد می‌شود که شاید ذهن آن‌ها را از مسیر اصلی و صحیح تفکر در مورد نامزدهای انتخابات دور کند و دچار خطاهای اندیشه سازد!

به عبارت دیگر، منطق ابزاری علمی است که به‌کارگیری آن ذهن انسان را از دچار شدن به خطاهای احتمالی در تفکر، دور نگه می‌دارد. در واقع چیزی که منطق با آن مبارزه می‌کند، مغالطه نام دارد. مغالطه از غلط می‌آید و همان اشتباهات ذهن در هنگام تفکر است؛ به علاوه ما به واسطه دانش منطق، با تفکر نقادانه و سنجش‌گرانه آشنا می‌شویم که به ما می‌آموزد این اشتباهات را نقد کنیم، درست بیندیشیم و در آخر نتیجه‌دستی بگیریم. البته ذهن انسان به‌طور طبیعی و ناخودآگاه با برخی از این قواعد آشناست ولی با آموزش کامل اصول منطق می‌توان انتظار نتیجه‌بتری از کاربرد تفکر در ذهن داشت.

در ضمن قواعد منطق برای اولین بار، چهار قرن پیش از میلاد، توسط ارسطو و در یونان باستان کشف شد. بله! ارسطو تنها قواعد حاکم بر ذهن بشر به هنگام تفکر را کشف کرد و چیز جدیدی اختراع نکرد. البته که کشف این قواعد و گردآوری و تدوین آن‌ها هم کار آسانی نبود! در جهان اسلام هم ابن سینا نقش مؤثری در توسعه علم منطق داشت.

تعریف مغالطه (سفسطه)

همان‌طور که گفتیم مغالطه یعنی اشتباه! در منطق وقتی حرف مغالطه می‌شود، من به‌شخصه یاد کسانی می‌افتم که با آب و تاب چیزی را تعریف می‌کنند ولی همیشه به دلیل ناشناخته‌ای نمی‌توانم حرفشان را بپذیرم! به این افراد **سفسطائی** یا **سوفیست** می‌گویند؛ اما آن دلیلی که می‌گویم خیلی هم ناشناخته نیست؛ چراکه با عرض معذرت این افراد در سخن‌گفتن مغالطه می‌کنند و دلیل نپذیرفتن حرفشان توسط من و شما همین است! اما مغالطه دقیقاً یعنی چه؟ مغالطه شبیه استدلال است که مهم‌ترین خاصیت آن (صحیح‌بودن قضایا و قالب منطقی قضایا) را ندارد و به همین دلیل به نتیجه‌ای غلط منتهی

می‌شود. می‌پرسی استدلال چیست؟ حق داری! بگذار قبل از تعریف مغالطه، مفهوم یک استدلال درست و حسابی را برایت روشن کنم (😊)

استدلال، ترکیب قانونمند جملاتی معلوم و صحیح (ما پوشون می‌گیریم قضیه)، است برای رسیدن به قضیه‌ای جدید.

برقراری ارتباط میان چند قضیه صحیح و شکل‌گیری نتیجه از دل آن‌ها، کاری است که در استدلال انجام می‌شود. حال با این تعریف شاید بتوانی حدس بزنی مهم‌ترین خاصیت استدلال چیست؟! بله، صحیح بودن قضایا و ترکیب آن‌ها به نحو درستی که به نتیجه‌ای قابل قبول برسد. این مهم‌ترین خاصیت استدلال است که در مغالطه وجود ندارد و به همین دلیل هم ما نمی‌توانیم حتی با وجود ظاهر گول‌زننده آن که شبیه استدلال است، نتیجه‌اش را بپذیریم؛ انگار با عقلمان جور در نمی‌آید!

به عبارت دیگر، مغالطه برخلاف استدلال که از شکل (ساختار) و محتوایی درست و علمی برخوردار است، دارای نقطه‌ضعف شکلی یا علمی (محتوایی) است. یعنی در مغالطه یا قضیه‌ها صحیح نیستند یا صحیح‌اند ولی به نحوی در کنار یکدیگر می‌آیند که نمی‌توان نتیجه را محصول آن‌ها دانست و همین، موجب فاسد شدن آن استدلال می‌شود.

داستان ماستان

این قسمت: مغالطه

روزی یک جهانگرد در حالی که موز می‌خورد، وارد قطاری شد و در کوپه زن و شوهری نشست که تا به حال سفر نکرده بودند. آن زن و مرد تا آن زمان هرگز موز ندیده بودند؛ از این‌رو مرد جهانگرد به هر یک از آن‌ها یک موز داد. شوهر موز خود را پوست کند و به محض آن که شروع به خوردن آن کرد قطار وارد تونل شد و تاریکی همه‌جا را فراگرفت. ناگهان شوهر فریاد زنان به همسرش گفت: آن موز را نخور، کور می‌شوی!!!

انواع مغالطه

هالا که فهمیدی مغالطه به پی می‌گرن احتمالاً یادرت افتاد که خیلی وقت‌ها همین مورد ما توی حرف‌زدنمون، چه پیشای علمی و کاری و چه حرفای روزمره‌مون، دچار مغالطه می‌شیم. حتی خیلی از تبلیغات کار خودتونو از همین طریق پیش می‌برن و ما تقریباً متوجه بیشتر اون‌ها می‌شیم. دلیلش اینه که تعداد مغالطه‌هایی که استفاده می‌شه خیلی زیاده و با طیف وسیعی، تمامی سلاقی رو پوشش می‌ده (😊) البته ما تو این درس فقط سه‌تا از رایج‌ترین‌هاش رو با عم می‌فونیم ...

- انواع مغالطه
- ۱- مغالطه ناشی از اشتباه‌گرفتن معنای دو واژه یکسان (مغالطه اشتراک لفظ)
 - ۲- مغالطه ناشی از نتیجه‌گیری اشتباه
 - ۳- مغالطه ناشی از تأثیرات احساسی و روانی

۱ مغالطه ناشی از اشتباه‌گرفتن معنای دو واژه یکسان (یا شبیه به هم):

در زبان فارسی خیلی از کلمات وجود دارند که دو یا چند معنای کاملاً متفاوت دارند. حال اگر ما در هنگام حرف‌زدن و استدلال کردن از این جور کلمات استفاده کنیم و منظورمان استفاده از آن‌ها در دو یا چند معنی متفاوت، مغالطه کردیم.

مثال: «سعادت، غایت زندگی انسان است. غایت زندگی انسان، مرگ است. پس سعادت مرگ است.»

در این مثال واژه «غایت» در هر دو قضیه به کار رفته ولی در جمله اول به معنای «هدف» و در جمله دوم به معنای «آخرین رویداد» است. در واقع ما از یک واژه با دو معنی متفاوت قضایای استدلال را ساخته‌ایم. در حالی که این کار اشتباه است و به ما نتیجه غلط می‌دهد.

۲ مغالطه ناشی از نتیجه‌گیری اشتباه:

خیلی وقت‌ها ما خودمان عمداً یا سهواً حرفی می‌زنیم یا نتیجه‌ای می‌گیریم که از نظر منطقی صحیح نیست. در واقع هیچ دلیلی وجود ندارد که باعث شود ما چنین نتیجه‌ای بگیریم؛ حتی اگر واقعاً نتیجه غلطی هم نباشد تابع و محصول مقدمات آن استدلال نیست. این مغالطه وقتی پیش می‌آید که ما نمی‌توانیم از قضایای استدلال به طور منطقی آن نتیجه را بگیریم!

مثال: «محمد آدم خوبی است! همه همکاران او در مدرسه می‌دانند که او معلم خوبی است.»

در این مثال ما می‌دانیم که محمد معلم است و همه همکارانش در مدرسه می‌دانند که او معلم خوبی است. ولی آیا این دلیل می‌شود که محمد آدم خوبی باشد؟ در واقع حتی اگر محمد واقعاً آدم خوبی هم باشد، ما نمی‌توانیم «معلم خوبی بودن» کسی را به لحاظ منطقی دلیل بر «آدم خوبی بودن» او بگذاریم؛ چراکه نتیجه‌ای بی‌ربط است؛ یعنی ربط منطقی میان قضایای استدلال و نتایج آن وجود ندارد. بنابراین اگر چنین بگوییم مغالطه کرده‌ایم!

۳ مغالطه ناشی از تأثیرات احساسی و روانی:

تا به حال به بیلبوردهای سطح شهر توجه کرده‌اید؟ تبلیغات تلویزیونی چه‌طور؟ اولین کاری که این تبلیغات و شعارها می‌کنند، هدایت ذهن من و شما به سمت خوب یا بد جلوه‌دادن چیزی است. طبیعتاً این کار با استفاده از ترفندهای مغالطه‌گرانه‌ای انجام می‌شود که بر احساس و افکار ما تأثیر می‌گذارند و به این صورت ما قانع می‌شویم که «خوب است فلان محصول را بخرم!» البته این را هم بگوییم که نتایج این مغالطه‌ها شاید همیشه هم اشتباه نباشد! ولی اشکالش این است که با بزرگ‌نمایی سعی در تحت تأثیر قراردادن شما دارد. پس تسلیم این صحنه‌آرایی‌های فخرناک نشوید ... 😊

دست‌گرمی

پرسش نوع مغالطه‌های زیر را مشخص کنید.

- ۱- علی دوست چهل‌ساله من است.
 - ۲- خانه ارزان کمیاب است. هر چیز کمیاب گران است. پس خانه ارزان گران است.
 - ۳- شهریار ورزشکار است. او نوازنده ماهری است. شهریار ورزشکار و نوازنده ماهری است.
- پاسخ** ۱- این مغالطه در اثر استفاده از یک واژه با دو معنی متفاوت است و برای ما ایجاد ابهام می‌کند که آیا سنّ علی چهل سال است یا مدت‌زمان دوستی آن‌ها چهل سال است؟!
 ۲- در این مغالطه که به تناقض‌گویی منجر شده است نیز از یک واژه با دو معنی متفاوت استفاده شده است. «کمیاب» در قضیه اول به معنای «کم و اندک» است و در قضیه دوم به معنای «بالرزش و غیر قابل دسترس».
 ۳- این مغالطه که شاید به ظاهر چندان هم نمایان نباشد، در اثر نتیجه‌گیری اشتباه رخ داده است. درست است که شهریار نوازنده ماهری است و ضمناً ورزشکار هم هست، ولی نتیجه جوری بیان شده که واژه ماهر به هر دو حرفه شهریار نسبت داده شده. در حالی که از اطلاعات داده‌شده نمی‌توان نتیجه گرفت شهریار ورزشکار ماهری هم هست!!

دو محیطه اصلی منطق: تعریف و استدلال

برای رسیدن به مفاهیم تعریف و استدلال، لازمه اول در مورد تصور و تصدیق برونیم.

تصور، مفهومی است که از یک شیء یا هر چیز دیگر در ذهن ما نقش می‌گیرد؛ مثلاً مادر، درخت، سردی، روشنایی، فرشته و ...
 تصدیق، حکم یا حالتی است که در ذهن ما به تصور نسبت داده می‌شود یا از آن سلب می‌شود! در واقع زمانی که ذهن ما در مورد چیزی قضاوت کند و یا حکمی را برای آن بیان کند، تصدیق انجام داده‌ایم.
مثال معلم مهربان است. خورشید سوزان است. انار ترش است.
 ویژگی‌های تصدیق و تصور را در جدول زیر مقایسه کرده‌ام، ببین:

ویژگی‌های تصور	ویژگی‌های تصدیق
۱- معمولاً یک کلمه یا عبارت ساده است. ۲- ذهن ما راجع به درستی و نادرستی آن فکر نمی‌کند و اصلاً حکمی صادر نمی‌کند. ۳- می‌تواند واقعی باشد یا تخیلی. ۴- به کمک آن تعریف می‌کنیم و تصورات مجهول را روشن می‌کنیم.	۱- معمولاً یک جمله یا قضیه است؛ زیرا در تصدیق چیزی را به چیز دیگر نسبت می‌دهیم یا از آن سلب می‌کنیم. (مثل: دوزیستان پرواز نمی‌کنند). ۲- حکم یا قضاوتی است که ذهن ما راجع به مفاهیم و تصورات صادر می‌کند و باید حتماً درست و صادق باشد. ۳- می‌تواند راجع به تصورات غیرواقعی هم باشد. ۴- به کمک آن استدلال می‌کنیم و به تصدیقات و قضایای جدید می‌رسیم.

دست‌گرمی

پرسش مشخص کنید در میان موارد زیر کدام یک تصوّر و کدام یک تصدیق است؟

- ۱- جهان
۲- انسان آگاه
۳- دانش‌آموزان پر تلاش هستند.
۴- خواب
۵- جنگل‌ها سبز هستند.

پاسخ ۱- تصوّر ۲- تصوّر ۳- تصدیق ۴- تصوّر ۵- تصدیق

تعریف وقتی ما به کمک تصوّرات معلوم خود یک تصوّر مجهول را شناسایی کنیم، در واقع آن را تعریف کرده‌ایم. به عبارت دیگر تعریف آن چیزی است که در جواب سؤال «چیست؟» می‌دهیم؛ برای مثال اگر از تو بپرسند «متوازی‌الاضلاع چیست؟» تو در تعریف متوازی‌الاضلاع می‌گویی: «شکل هندسی چهارضلعی که اضلاعش دو به دو با هم موازی‌اند.»

استدلال در ابتدای درس اشاره مختصری به استدلال کردم. الان می‌خواهم استدلال را به زبانی دیگر برایت توضیح دهم. زمانی که ما یک تصدیق مجهول را از طریق تصدیقات معلوم خود شناسایی کنیم، استدلال کرده‌ایم.

(تصدیق همان عملیات یا قضایایی است که در بالا گفتم باید درست باشن تا استدلالمون تبدیل به معالطه نشه.)

به عبارت دیگر، آن چیزی که ما در پاسخ «چرا؟» می‌آوریم، استدلال است. برای مثال، جمله‌ای که ما در پاسخ به سؤال «چرا در شب ارتکاب جرم بیشتر است؟» بیان می‌کنیم، استدلال است: شب تاریک است و مجرمان برای این که شناسایی نشوند بیشتر در شب فعالیت می‌کنند؛ بنابراین ارتکاب جرم در شب بیشتر است.

دست‌گرمی

پرسش مشخص کنید کدام یک از موارد زیر تعریف و کدام یک استدلال است؟

- ۱- حقوق‌دان کسی است که قوانین و طرز استفاده از آن‌ها را می‌داند.
۲- چون در تابستان درجه حرارت بدن بالاست و آب بیشتری تبخیر می‌شود، باید در تابستان بیشتر آب بنوشیم.
۳- قازه یک سطح خشکی روی کره زمین است که مجموعه‌ای از کشورها را تشکیل می‌دهد.
پاسخ ۱- تعریف: تصوّر مجهول «حقوق‌دان» به کمک تصوّرات معلوم «قانون» و «دانستن»، روشن شده.
۲- استدلال: در پاسخ به این که چرا باید در تابستان بیشتر آب بخوریم، «گرما» و «افزایش تبخیر آب از بدن» را دلیل آورده‌ایم.
۳- تعریف: کسی که نداند «قازه» چیست، با تصوّرات معلوم «خشکی» و «کره زمین» و «مجموعه‌ای از کشورها» به تعریف قازه پی می‌برد.

تمرین

تمرین ۱ از میان موارد زیر تصوّر و تصدیق را مشخص کنید.

- مرغ (.....) سیمرغ افسانه‌ای (.....) سیمرغ افسانه‌ای است. (.....)
گرگ (.....) عاقبت گرگ‌زاده گرگ می‌شود. (.....)

پاسخ مرغ ← تصوّر / سیمرغ افسانه‌ای ← تصوّر / سیمرغ افسانه‌ای است. ← تصدیق / گرگ ← تصوّر / عاقبت گرگ‌زاده گرگ می‌شود. ← تصدیق

تمرین ۲ مشخص کنید که کدام یک از موارد زیر تعریف و کدام یک استدلال هستند.

- ۱- چون قاشق چوبی گرما را منتقل نمی‌کند، غذا را با آن هم بزن تا دستت نسوزد. (.....)
۲- منطق علمی است که از خطای ذهن جلوگیری می‌کند. (.....)
۳- معلم ما در کلاس است؛ پس در خانه‌اش نیست. (.....)
۴- ترابری یعنی حمل‌ونقل کالا یا مسافر از جایی به جایی دیگر. (.....)

پاسخ ۱- استدلال / ۲- تعریف / ۳- استدلال / ۴- تعریف

فعالیت‌های تکمیلی

- ۱- جملاتی که با «چيست» پایان می‌پذیرند و جملاتی که با «چرا» آغاز می‌شوند با کدام یک از دو مبحث منطق ارتباط دارند؟
پاسخ: جملاتی که با «چيست» پایان می‌پذیرند با مبحث «تعریف» و جملاتی که با چرا آغاز می‌شوند با «استدلال» ارتباط دارند.
- ۲- از میان موارد زیر تصوورها و تصدیق‌ها را مشخص کنید.
 منطق معیار تفکر است. منطق. تصدیق بخشی از علم است. کوه سهند، ارتفاعات کوه سهند، کوه سهند مرتفع است.
پاسخ: تصدیق‌ها ← منطق معیار تفکر است. / تصدیق بخشی از علم است. / کوه سهند مرتفع است.
 تصوورها ← منطق / کوه سهند / ارتفاعات کوه سهند
- ۳- اگر ذهن انسان به طور طبیعی براساس قواعدی می‌اندیشد، چه نیازی به خواندن منطق داریم و چرا به صرف خواندن کتاب‌های منطق از خطاهای ذهن مصون نمی‌مانیم؟
پاسخ: اگرچه که ذهن انسان برخی از قواعد منطق را به صورت بدیهی می‌شناسد، اما بسیاری از قواعد آن لازم است فراگرفته شود تا بتوان مغالطه‌های موجود در گفتار دیگران را شناسایی کرد. پایه‌های اصول منطقی، مغالطاتی هم وجود دارد که به راحتی ذهن انسان را گمراه می‌کند؛ پس لازم است با یادگیری اصول منطق و نه فقط به صرف یادگرفتن آن‌ها، که با عمل کردن به آن قواعد، از خطاهای مربوط به تفکر جلوگیری کنیم.

سؤال‌های امتحانی

- الف) مشخص کنید کدام مغالطه در اثر اشتباه‌گرفتن معنای دو واژه یکسان و کدام مغالطه در اثر نتیجه‌گیری اشتباه است.
- ۱- او و همسرش هشت سال اختلاف داشتند.
 - ۲- کار نیکان را قیاس از خود مگیر / گرچه باشد در نوشتن شیر، شیر
 - ۳- کسانی که زیاد سیگار می‌کشند به سرطان مبتلا می‌شوند. مطمئناً من سرطان نمی‌گیرم چراکه سیگار نمی‌کشم.
 - ۴- ساعتت چنده؟
 - ۵- دانش‌آموزان ضعیف و متوسط برای موفقیت در امتحانات باید خیلی درس بخوانند؛ اما من یک دانش‌آموز باهوش هستم و نیازی به درس خواندن ندارم.
- ب) پاسخ سؤالات زیر را بدهید.
- ۶- هدف از دانستن علم منطق چیست؟
 - ۷- مغالطه را تعریف کرده و چند مثال برای انواع مغالطه بیان کنید.
 - ۸- تصوّر را تعریف کنید و تفاوت آن با تصدیق را بگویید.
- پ) جاهای خالی را پر کنید.
- ۹- هدف منطق مبارزه با است.
 - ۱۰- مفهومی است که از یک شیء یا هر مفهوم دیگری در ذهن ما نقش می‌بندد.
 - ۱۱- قضاوت ذهن ما راجع به یک مفهوم است.
 - ۱۲- زمانی که به کمک تصوّرات معلوم، مفهوم مجهولی را شناسایی می‌کنیم، ذهن ما درگیر شده است.
 - ۱۳- پاسخی است که به سؤال «چيست؟» می‌دهیم.
 - ۱۴- اگر با احکامی که در ذهنمان وجود دارد به حکم جدیدی برسیم، ذهن ما درگیر شده است.
 - ۱۵- پاسخ به سؤال «چرا؟» است.

ت) واژه‌های مرتبط را پیدا کنید.

۱۶- تصوّر استدلال مغالطه تصدیق تعریف

ث) پاسخ کوتاه بدهید.

۱۷- کدام دانشمند اسلامی نقش مهمی در توسعه منطق داشته است؟

۱۸- قواعد منطق برای نخستین بار توسط چه کسی و در کجا بنا شد؟

ج) تصوّر و تصدیق را مشخص کنید.

۱۹- صداقت

۲۰- آفتاب سوزان است.

۲۱- جاری بودن

۲۲- اسب حیوان نجیبی است.

۲۳- کتاب مفید

۲۴- مار زنگی

۲۵- آفریدگار

۲۶- بودن یا نبودن

چ) انواع مغالطه را مشخص کنید.

۲۷- آب انار شفاست. هیچ آب اناری شفا نمی‌شود!

۲۸- فلان شخص یک فرمانده خوب است. پس رئیس‌جمهور خوبی خواهد بود.

۲۹- حافظ بیش از مولوی، حافظ قرآن است.

۳۰- او عرب است. انسان خوبی نیست.



پاسخ سؤال‌های امتحانی

- ۱- اشتباه گرفتن معنای دو واژه یکسان: «اختلاف» که می‌تواند اختلاف سنی باشد یا اختلاف نظر.
- ۲- اشتباه گرفتن معنای دو واژه یکسان: شیر خوراکی و شیر جنگل
- ۳- نتیجه‌گیری اشتباه: ممکن است کسی هم که سیگار نمی‌کشد به دلیل دیگری مبتلا به سرطان شود!
- ۴- اشتباه گرفتن معنای دو واژه یکسان: «چند» به معنای تایم ساعت یا به معنای ارزش و قیمت خود ساعت
- ۵- نتیجه‌گیری اشتباه: حتی یک دانش‌آموز باهوش هم اگر درس نخواند ممکن است نتواند در امتحاناتش موفق باشد! 😊
- ۶- ۱) شناختن اشتباهات احتمالی تفکر (۲) جلوگیری از بروز اشتباهات تفکر از طریق مسلط شدن بر اصول و قواعد تفکر (۳) ارتقای سطح فکری جامعه با کسب مهارت در تفکر
- ۷- مغالطه به هر نوع خطای اندیشه یا تفکر می‌گویند. البته که مغالطه در شکل استدلال ظاهر می‌شود و باعث فریب‌خوردن و گمراه شدن ذهن مخاطب می‌شود. انواع مغالطه ممکن است در اثر به‌کارگیری یک واژه یا معانی متفاوت باشد به نحوی که برای مخاطب ابهام ایجاد کند. یا در اثر نتیجه‌گیری اشتباه باشد و یا ناشی از تأثیرات احساسی و روانی. برای مثال *عایش لطفاً به ذهن عزیز خود مراجعه کرده یا از سایر مثال‌های کتاب بهره‌گیرید. با تشکر 😊*
- ۸- تصور آن چیزی است که از مفهوم یک شیء در ذهن پیدا می‌شود؛ مثل تصور ما از سردی هوا یا ترشی انار یا اصلاً تصویری که از دیو شاخدار داریم. مهم نیست که اون تصور واقعیت داره یا نه! و ذهن ما در موردش فکر نمی‌کنه! دقیقاً برعکس تصدیق! در تصدیق، ذهن ما برای یک مفهوم، حکمی صادر می‌کند و راجع به درستی و نادرستی آن قضاوت می‌کند. پس فرق این دو تا اینه که تصور صرفاً یک مفهوم است ولی در تصدیق یک کلم یا قضاوت در ذهن ما وجود دارد.
- ۹- مغالطه
- ۱۰- تصور
- ۱۱- تصدیق
- ۱۲- تعریف
- ۱۳- تعریف
- ۱۴- استدلال
- ۱۵- استدلال
- ۱۶- تصور با تعریف مرتبط است و استدلال با تصدیق.
- ۱۷- ابن سینا
- ۱۸- ارسطو - یونان باستان
- ۱۹- تصور
- ۲۰- تصدیق
- ۲۱- تصور
- ۲۲- تصدیق
- ۲۳- تصور
- ۲۴- تصور
- ۲۵- تصور
- ۲۶- تصور
- ۲۷- اشتباه گرفتن معنای ۲ واژه یکسان؛ «شفا» در جمله اول به معنای «درمان» است و در جمله دوم «نام تجاری آب انار» است. به علاوه این گزاره از مغالطه ناشی از تأثیرات روانی نیز استفاده کرده.
- ۲۸- مغالطه نتیجه‌گیری اشتباه
- ۲۹- اشتباه گرفتن معنای ۲ واژه یکسان؛ منظور از «حافظ» اول شاعر معروف است و منظور از حافظ دوم، شخصی است که حفظ می‌کند یعنی اسم فاعل است.
- ۳۰- مغالطه نتیجه‌گیری اشتباه

سؤال‌های چهارگزینه‌ای

۱- کدام یک از گزینه‌های زیر تعریف است؟

- ۱) ما انسان‌ها برای داشتن بدن سالم‌تر، به ۸ ساعت خواب در روز نیاز داریم.
- ۲) یک مدیر برای رسیدن به موفقیت، باید از تجربه‌های شکست خود استفاده کند.
- ۳) ما به نور خورشید نیاز داریم، چون ویتامین D با نور آفتاب جذب بدن می‌شود.
- ۴) کشوری مستقل است که دارای سرزمین مشخص، حاکمیت داخلی و جمعیت پایدار باشد.

۲- کدام یک از گزینه‌های زیر استدلال است؟

- ۱) معلمی شغل نیست، عشق است.
- ۲) نور، یک تابش الکترومغناطیسی و حاوی فوتون است که به چشم انسان و دیگر موجودات مرئی می‌باشد.
- ۳) از آن جایی که بار الکتریکی پروتون و الکترون متفاوت است، آن دو همدیگر را جذب می‌کنند.
- ۴) کتابخانه دارای فضایی برای نگهداری کتاب‌های بسیار و مطالعه آن‌ها است.

۳- دو بخش اصلی علم منطق کدام است؟

- | | |
|---------------------|---|
| ۱) تصور - تصدیق | ۲) تعریف - استدلال |
| ۳) استدلال - مغالطه | ۴) یادگیری اصول منطق - نحوه به کار بردن آن‌ها |

۴- از میان گزینه‌های زیر، کدام یک تصور است؟

- | | | | |
|---------------|------------------------|----------------------|-------------|
| ۱) معیار تفکر | ۲) کوه سهند مرتفع است. | ۳) خورشید تابان است. | ۴) هیچ کدام |
|---------------|------------------------|----------------------|-------------|

۵- جملاتی که با «چيست» پایان می‌پذیرند، با کدام مبحث اصلی علم منطق ارتباط دارند؟

- | | | | |
|------------|----------|---------|----------|
| ۱) استدلال | ۲) تعریف | ۳) تصور | ۴) تصدیق |
|------------|----------|---------|----------|

۶- جملاتی که با «چرا» آغاز می‌شوند، با کدام مبحث اصلی علم منطق ارتباط دارند؟

- | | | | |
|----------|----------|------------|---------|
| ۱) تصدیق | ۲) تعریف | ۳) استدلال | ۴) تصور |
|----------|----------|------------|---------|

پاسخ سؤال‌های چهارگزینه‌ای

- | | |
|---|--|
| ۱- گزینه «۴» در سایر گزینه‌ها دلیلی آورده شده که پاسخ به سؤال «چرا...» است. | ۴- گزینه «۱» سؤال «چيست» مطرح کرد و تعریف نمود. |
| ۲- گزینه «۳» تنها در این گزینه چرایی یک چیز بیان شده و در سایر گزینه‌ها تنها یک مفهوم توضیح داده شده. | ۵- گزینه «۲» جملاتی که با «چيست» مطرح می‌شوند، با مبحث «تعریف» مرتبط‌اند. |
| ۳- گزینه «۲» دو بخش اصلی علم منطق، تعریف و استدلال است. گزینه (۴) هدف و کاربرد منطق است و گزینه (۱) دو بخش معلومات انسان است. | ۶- گزینه «۳» جملاتی که با «چرا» مطرح می‌شوند، با مبحث «استدلال» مرتبط‌اند. |



چی می‌خونیم؟ # لفظ # معنا # اشتراک - لفظ # الفاظ - مترادف # ابهام - در - عبارات

مقدمه

در درس قبلی با مغالطه آشنا شدیم و فهمیدیم استفاده از آن در تضاد با هدف دانش منطقی است. در این درس با دو نوع پرکاربرد مغالطه آشنا می‌شویم؛ مغالطات مربوط به **لفظ و معنا**. می‌دانم که میدانی لفظ دقیقاً یعنی چه و معنا یعنی چه! ولی بگذار من هم با یک مثال، تفاوت این دو را بگویم. لفظ دقیقاً همان واژه‌ای است که به زبان ما می‌آید و با گفتن آن می‌خواهیم مفهومی را منتقل کنیم. مثلاً وقتی می‌گوییم «رند»، «مقرنس»، «شیر» و ... اما **معنا** در درون لفظ است؛ یعنی همان مفهومی که قرار است منتقل شود. خوب می‌دانیم که یک لفظ ممکن است چند معنای مختلف داشته باشد. مثل همین لفظ «شیر» که به شیر خوراکی، حیوانی در جنگل، و شیر آب معنا می‌شود. عکس این اتفاق هم ممکن است و گاه یک معنا می‌تواند چند لفظ داشته باشد. مثلاً معنای «درست» که با الفاظ «صحیح»، «درست» و «صادق» منتقل می‌شود. این‌ها مثال‌های ساده‌ای از ارتباط لفظ و معنا بودند ولی می‌دانیم که قضیه پیچیده‌تر از این‌ها است و به همین دلیل هم زمینه مناسبی ایجاد می‌شود برای اشتباهات زبانی و در نتیجه اشتباهات در تفکر که همان مغالطه است. **با این مقدمه، بزین بریم سراغ انواع این مغالطه‌ها! تا ببینیم هر کدوم چی هستن؟**

- ۱ اشتراک لفظ
- ۲ بار ارزشی کلمات
- ۳ شیوه نگارش کلمات
- ۴ الفاظ مترادف
- ۵ نحوه دلالت لفظ بر معنا (یا مغالطه توسل به معنای تحت‌اللفظی)
- ۶ ابهام در عبارات

مغالطه اشتراک لفظ

یک لفظ چند معنا در هر زبانی پیش می‌آید که یک واژه دارای معانی متعدّد باشد. همان‌طور که گفتیم لفظ واژه‌ای است که برای یک مفهوم به کار می‌رود و در عین حال لفظ می‌تواند دربرگیرنده چند مفهوم باشد. حال زمانی که ما یک واژه با معانی مختلف را در جملات خود به کار ببریم، به نحوی که معانی متفاوت آن منظور باشد، این مغالطه رخ می‌دهد. مثال‌های زیر را نگاه کن:

مثال ۱: انگور شیرین است. شیرین معشوق فرهاد است.

در این مغالطه ساده، لفظ شیرین با دو معنی آمده است. در جمله اول، منظور نوعی طعم و مزه است و در جمله دوم، شیرین اشاره به شخصی دارد که در افسانه‌ها معشوق فرهاد کوه‌کن بوده است. (کسی که این جمله‌ها رو پشت سر هم به زبون آورده تماماً شوقی داشته! یعنی واقعاً می‌خواسته بگه فالاکه انگور شیرینه و شیرین معشوق فرهاد، پس انگور معشوق فرهاد؟! می‌بینی ملت چه دل فحشته‌ای دارن؟)

مثال ۲: تا چند ماه دیگر بهار می‌آید.

ظاهر این جمله به نظرت هیچ ایرادی ندارد. درسته! ولی باید بگویم در این عبارت، واژه «بهار» همان لفظی است که در دو معنا به کار رفته است. یکی به معنای فصل بهار و دیگری شخصی که نامش بهار است! می‌بینی که جمله به صورتی گفته شده که اگر مخاطب فضای گفت‌وگو را بداند به اشتباه نمی‌افتد ولی این مثال ساده نشان می‌دهد که در خیلی از موارد با استفاده از چنین واژه‌هایی، می‌توان افراد ناآشنا به بحث را گمراه کرد و این یعنی مغالطه!

دست‌گرمی

پرسش: الفاظ مشترک را در عبارات زیر بیابید و معنای آن‌ها را مشخص کنید.

۱- آن‌ها از ما چند عکس گرفتند.

۲- این کتاب قیمت ندارد.

۳- چون از تو گشتی همه چیز از تو گشت / چون از تو گشتی، همه چیز از تو گشت

پاسخ: ۱- گرفتند در این جمله دو معنی دارد؛ یکی به معنای عکس‌برداری با دوربین عکاسی و دیگری به معنای گرفتن چیزی (چند قطعه عکس) با دست 😊

۲- قیمت‌نداشتن در این جمله با دو معنای متفاوت آمده: یکی برچسب قیمت نداشتن (پوری که از فروشنده پیرسی قیمتش پندره!) و معنای دیگر حاکی از باارزش بودن کتاب (این قهر ارزشمند که نمی‌شه برایش قیمت گذاشت!!)

۳- این مثال خیلی توبه! شاعر (مولانا) دو مصرع کاملاً شبیه به هم را چنان هنرمندانه در مورد خداوند آورده که در هر کدام واژه «گشتن» معنای متفاوتی دارد. در مصرع اول می‌گه که اگر به سوی خدا رو کنی همه چیز از آن تو می‌شود. ساده‌ترش اینه که گشتن این‌جا معنی تعلق می‌ده. در حالی که در مصرع دوم دقیقاً برعکس این رو بیان می‌کنه؛ اگر پشت به خدا کنی، همه چیز از تو گرفته می‌شود. ساده‌ترش اینه که معنای روی‌گرداندن و از دست دادن می‌ده.

مغالطه الفاظ مترادف

چند لفظ → **یک معنا** واژگان مترادف در هر زبانی وجود دارند و در زبان فارسی هم فراوان‌اند. واژگانی که همه یک معنا و مفهوم را می‌رسانند. مثل «آراسته»، «مرتب»، «منظم» و ... که همگی تقریباً یک معنا را می‌رسانند. البته مصادیق این مغالطه محدودتر از نوع قبلی است، اما به هر حال مهمه! مثال زیر رو ببین.

مثال: از نزاع ترک و رومی و عرب / حل نشد اشکال انگور و غنَب

این بیت ادامه همون شعریه که در کتاب آمده. انگور و غنَب، هر دو یک معنا را دارند ولی به زبان‌های مختلف بیان شده‌اند. هر کسی لفظ انگور را به زبان خودش قبول دارد و لفظ دیگری را رد می‌کند. در حالی که همه یک مفهوم را در نظر دارند. (شعر کتاب رو بفون متوبه می‌شی که هلتی درگیرن 😊)

مغالطه بارارزشی کلمات

گاهی علت سوءتفاهم، بار معنایی و ارزش متفاوت کلمه‌های به کار برده شده است. مثال‌هایی که در کتاب درسی آمده (مردن، فوت‌شدن، به درک واصل‌شدن، مرحوم‌شدن، سقط‌شدن و ...) همه الفاظ هم‌معنایی هستند که ما برای مردن آدم‌ها به کار می‌بریم، البته بسته به آن‌که ارزش آن فرد در نظر ما تا چه حد باشد! مغالطه آن جایی رخ می‌دهد که کسی بار ارزشی این کلمات را نداند و آن‌ها را اشتباه استفاده کند. طبیعتاً این اشتباه می‌تواند باعث خطای فکر دیگران شود و آن‌ها را دچار سوءتفاهم کند! و این یعنی مغالطه!

یک مثال واضح دیگر استفاده ما از واژه «شما» به جای «تو» برای یک مخاطب محترم است. مثلاً اگر معلممان را «شما» خطاب می‌کنیم، دلایل این نیست که او چند نفر است؛ دلایل احترامی است که برای او قائلیم و بار ارزشی کلمه «شما» که محترمانه‌تر از «تو» است.

این مثال ساده گاه می‌تواند پیچیده‌تر شود. به خصوص در عالم سیاست، حقوق و ادبیات بسیار می‌توان از این مغالطه استفاده کرد. با مثالی که در تمرین صفحه بعد می‌آورم، لب کلام را می‌گیری! 😊

دست‌گرمی

پرسش توضیح دهید در عبارت زیر چگونه از مغالطه بار ارزشی کلمات استفاده شده است.
حرف چه کسی را باور کنیم؟ فرمایشات متین ایشان را که آرام‌بخش و روح‌افزاست یا اراجیف کسی را که موجب تیرگی و آشفتگی روح انسان می‌شود؟

پاسخ وقتی این حرف رو از زبان کسی می‌شنوی اولین چیزی که احتمالاً به ذهنت می‌آید اینه که «خب این که انتظاب خوردشو کرده! واسه چی می‌گه نمی‌دونم حرف کیو باور کنم؟» درسته! شخصی که این‌گونه حرف می‌زند از مغالطه بار ارزشی کلمات استفاده کرده، برای این‌که غیرمستقیم و با استفاده از ارزش کلماتی که استفاده می‌کند، بگوید حرف چه کسی را باور کرده، ولی در عین حال نمی‌خواهد اعتراف کند!!! خیلی پایه ...

مغالطه نحوه دلالت لفظ بر معنا

بیا اول از عبارات «معنای تحت‌اللفظی» و «دلالت» شروع کنیم. پیش‌تر گفتیم که یک واژه می‌تواند تا چند معنا هم داشته باشد. قبول! ولی خیلی وقت‌ها ما واژه‌هایی را که تنها یک معنا دارند، در معانی و منظوره‌های متفاوت استفاده می‌کنیم. مثلاً وقتی می‌گوییم «ترکیدم! سه بشقاب خوردم!» مطمئناً نه من ترکیده‌ام و نه واقعاً ۳ تا بشقاب را گاز زده و خورده‌ام 😊 بله، درسته که «ترکیدن» و «بشقاب» یک معنی بیشتر ندارند، ولی ما به محض شنیدن این عبارت می‌فهمیم که این واژه‌ها در معنای کنایه‌ای خود استفاده شده‌اند.

با همه این حرف‌ها می‌خواهم بگویم گاهی معنایی که ما برای کلمات در نظر می‌گیریم، دقیقاً همان معنای ظاهری یا تحت‌اللفظی آن واژه‌ها نیستند و کنایه از چیزی دیگرند! تحت‌اللفظی یعنی دقیقاً همان معنای اولیه یک لفظ. مثل همین «بشقاب» که معنای تحت‌اللفظی‌اش «ظرف غذا» است ولی ما معنای کنایه‌ای آن، یعنی غذای درونش را منظور کرده‌ایم.

اما دلالت چیست؟ دلالت یعنی حکایتگری و راهنمایی. اگر الف دلالت بر ب دارد، یعنی الف می‌خواهد از ب حکایت کند.

دلالت لفظ بر معنا یعنی چه؟ یعنی آن چیزی که به محض دیدن یک لفظ در جمله، به ذهنمان خطور می‌کند. طبیعی است که با توجه به فضای جمله و منظور ما، این معنای می‌تواند متعدد باشند؛ مثل همان بشقاب که یک جا ظرف غذاست و جایی دیگر خود غذا!

می‌گفتم! دلالت لفظ بر معنا انواع مختلفی دارد:

انواع دلالت	تعریف	مثال
۱- دلالت مطابقی	معنای اصلی و رایج لفظ؛ ذهن به محض دیدن یک عبارت، دقیقاً به سوی همان معنایی هدایت شود که کاملاً مطابق با آن لفظ است!	خانه: چهاردیواری مسقفی که عده‌ای در آن زندگی می‌کنند. بشقاب: ظرف غذا
۲- دلالت تضمنی	معنای جزئی لفظ؛ وقتی لفظ بر جزئی از معنای خود دلالت می‌کند که متضمن و دربرگیرنده آن است.	دست را در دهانت نکن! منظور از دست: انگشت (بخشی از دست)
۳- دلالت التزامی	معنای مجازی لفظ؛ وقتی لفظ بر معنایی دلالت می‌کند که خارج از ماهیت اصلی آن ولی همواره ملازم و همراه آن است.	وقتی پدری به پسرش می‌گوید: «تو زبان مرا نمی‌فهمی» زبان لازمه حرف زدن است؛ پس دلالت از حرف دارد.

دست‌گرمی

پرسش مشخص کنید در مثال زیر چگونه از مغالطه نحوه دلالت لفظ بر معنا استفاده شده.
طلبکاری به درب خانه مدیون خود رفت تا از او حساب پس بگیرد. فرد بدهکار با آگاهی از این‌که چه کسی برای ملاقات او آمده، به حیاط خانه رفت و به همسرش گفت: بگو شوهرم در خانه نیست.

پاسخ خب معلومه! طرف رفته تو حیاط بفرم که بگو فونه نیستم! انگار حیاط جزئی از فونه نیست! ایشان به همسر خودش فونه رو به دلالت مطابقی چهاردیواری سقف‌داری در نظر گرفته که شامل حیاط نمی‌شه در حالی که فونه به دلالت تضمنی شامل حیاط هم می‌شه. می‌بینی چه طور می‌شه با این دلالت‌ها مغالطه کرد؟! 😊

مغالطه شیوه نگارش کلمات (با استفاده از علائم سجاویدی)

خیلی وقت‌ها ما از طریق مکاتبه یا متن‌های نوشتاری با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنیم و حرف می‌زنیم؛ مثل خیلی از وقت‌ها که در فضای مجازی چت می‌کنیم. این‌جور وقت‌ها کم‌تر پیش میاد هواسمون به املای کلمات و علامت‌های سجاویدی و نگارشی مثل کاما و علامت تعجب و نقطه و غیره باشه. به همین دلیل بیشتر وقت‌ها طرف مقابل دچار فطامی شه و منظور ما رو اشتباه برداشت می‌کنه! البته بدانند که بعضی وقت‌ها عم ما ممکنه به عمد بعضی از علائم رو نگذاریم تا فرمون دوپهلو بشه! و این دقیقاً یعنی مغالطه اونم از نوع کتبی. داستان زیر رو بخون.

داستان ماستان

گویند یکی از بزرگان تبریز مورد خشم رضاشاه واقع شده بود. رضاشاه دستور اعدامش را صادر کرد. اطرافیان آن شخص، نزد شاه رفتند و با التماس و خواهش، او را قانع کردند که از اعدام صرف‌نظر کند. در نهایت شاه متقاعد شد و دستور داد تلگرافی به تبریز ارسال کنند با این مضمون که: «عفو؛ لازم نیست اعدامش کنید!»

تلگرافی با بی‌دقتی جمله را نوشت و ارسال کرد؛ بدون این‌که علامت‌های لازم را بگذارد تا لحن و منظور شاه درست فهمیده شود. در نهایت طرف مقابل با دریافت تلگراف و خواندن جمله «عفو لازم نیست! اعدامش کنید.» دستور واقعی رضاشاه را متوجه نشد و آن بیچاره اعدام شد!

بچه جان! شما از این داستان آنگی بند بگیر و همیشه درست و حساب‌شده بنویس! عم واسه این‌که مغالطه نشه عم این‌که کلاس داره 😊

دست‌گرمی

پرسش در عبارات زیر، مغالطه شیوه نگارش کلمات به چه نحوی صورت گرفته است؟

۱- اجناس دزدیده‌شده توسط مأمورین کشف شد.

۲- او برای بازدید پنج‌روزه از اصفهان به تهران آمد.

پاسخ ۱- معلوم نیست اجناس دزدیده‌شده‌ای رو مأمورین کشف کردن، یا این‌که اصلاً خود مأمورین اجناسی رو دزدیدن و بعداً قضیه کشف شده! حالا تو باشی کاما رو بعد از دزدیده شده می‌داری یا بعد از مأمورین!؟

۲- تو اینو بخونی و به کم فک کنی ممکنه بفهمی که در واقع برای بازدید از تهران اومده! از شهر اصفهان به مدت پنج‌روزه تو راه بوده و اومده! ولی یکی دیگه هم ممکنه بخونه و فک کنه برای بازدید پنج‌روزه از شهر زیبای اصفهان، به تهران اومده! البته یحتمل سریعاً می‌فهمه به جای کار می‌لنگه؛ چون کسی واسه بازدید از اصفهان نمی‌ره تهران 😊 درست این جمله اینه که کاما رو بعد از پنج‌روزه بنذاریم! می‌دونم خودت می‌دونی 😊

مغالطه ابهام در عبارات

این مغالطه به دلایل بسیاری می‌تواند صورت بگیرد. یکی از آن‌ها همان مغالطه شیوه نگارش کلمات است که در بالا به صورت ویژه به آن اشاره کردم. مصادیق دیگر مغالطه ابهام در عبارات را هم در ادامه می‌گوییم:

مثال ۱ شیشه عینک شکسته را برداشتم.

در این جمله به علت مشخص نبودن تعلق صفت «شکسته» به شیشه یا مضاف‌الیه آن، که عینک باشد، معلوم نیست شیشه عینک شکسته یا خود عینک!؟ البته شاید بگویی لب شیشه شکسته که آن را برداشته ولی به هر حال مبهم حرف زده! چون من می‌گم اعتراض وارد نیست! معمولاً آوردن ترکیب «مضاف + مضاف‌الیه + صفت» همین مشکلو ایجاد می‌کنه ...

مثال ۲ من از راهنمایی شما پشیمانم!

خداوکیلی معلوم نیست از این‌که طرف رو راهنمایی کرده پشیمونه یا از راهنمایی‌ای که طرف به اون داده و اون هم عمل کرده پشیمونه! اشکال کار این‌جاست که نقش دستوری کلمه «شما» مبهمه! معلوم نیست «شما» که طرف مقابل بوده، نقش فاعلی داشته یا نقش مفعولی! لب مبهم حرف نزن برادر ...

دست‌گرمی

پرسش مغالطه‌های زیر را توضیح دهید.

- ۱- من مثل تو زودباور نیستم.
- ۲- نماز آخر وقت نخوان.
- ۳- خطاب کاهن معبد به پادشاه لیدیه پیش از جنگ با ایران: «اگر به جنگ با داریوش بروی، یک امپراطوری قدرتمند را نابود خواهی کرد!»

پاسخ ۱- بلههه! معلوم نیست تو زودباوری و من مثل تو نیستم یا این که منم مثل تو زودباور نیستم!

- ۲- این جمله رو می‌شه از ماهیتش تشخیص داد. تشویقیه و منظورش اینه نماز اول وقت بخون! ولی ممکنه یکی هم پیدا شه بگه چشم! اگه رسیدم آخر وقت دیگه کلاً نماز نمی‌خونم! آخه می‌گی نماز آخر وقت نخون دیگه!! یعنی مغالطه در هر لایه‌گا ...
- ۳- کاهن معبد با زیرکی تمام آب پاکی رو ریخته رو دست پادشاه لیدیه! گفته پادشاه لیدیه! نرو با داریوش بجنگ! اگه رفتی نابود می‌شی! البته یه حالت خوش‌بینانه‌ترم هست که خواسته باشه امپراطوری داریوش رو نابود تصور کنه!!! خدا می‌دونه ...

تمرین

تمرین ۱ ۱- زیر الفاظ مشترک خط بکشید و معانی مختلف آن‌ها را بیان کنید.

الف امشب صدای تیشه از بیستون نیامد / شاید به خواب شیرین فرهاد رفته باشد

ب علی کاری است. کاری غذا را خوشمزه می‌کند؛ پس علی غذا را خوشمزه می‌کند.

پاسخ **الف** امشب صدای تیشه از بیستون نیامد / شاید به خواب شیرین فرهاد رفته باشد

شیرین: (۱) استراحت دلنشین، (۲) رؤیای شیرین معشوقه فرهاد

ب علی کاری است. کاری غذا را خوشمزه می‌کند. پس علی غذا را خوشمزه می‌کند.

تلاشگر نوعی ادویه

۲- معنای واژه‌های زیر را مشخص کنید.

الف شما نمی‌توانید وارد بخش مراقبت‌های ویژه بشوید. نمی‌توانی:

ب چون رانندگی بلد نیستی، نمی‌توانی ماشین را داخل پارکینگ بیاوری. نمی‌توانی:

پ پیر شده‌ای و دیگر نمی‌توانی این سنگ را بلند کنی. نمی‌توانی:

پاسخ **الف** نمی‌توانید ← اجازه ندارید

ب نمی‌توانی ← بلدنبودن

پ نمی‌توانی ← از عهده کار برنیامدن (نیرونداشتن)

تمرین ۲ نوع دلالت لفظ بر معنا را در عبارات زیر تعیین کنید.

تند ورق نزن، کتابم را پاره کردی! (.....) فلاتی شیر است. (.....)

کتابم را گم کردم. (.....) ماشینم خراب شد. (.....)

پاسخ تند ورق نزن، کتابم را پاره کردی! ← دلالت تضمینی

کتابم را گم کردم. ← دلالت تطابقی

تمرین ۳ ۱- با تغییر علائم سجاوندی، معانی مختلف جملات زیر را مشخص کنید.

الف به نظر علی احمدی دانشجوی خوبی است.

ب یک کنفرانس علمی در مورد حفاری چاه‌های نفت در شهر بوشهر برگزار می‌شود.

پاسخ **الف** به نظر علی، احمدی دانشجوی خوبی است. / به نظر، علی احمدی دانشجوی خوبی است.

ب یک کنفرانس علمی در مورد حفاری چاه‌های نفت، در شهر بوشهر برگزار می‌شود. / یک کنفرانس علمی در مورد حفاری چاه‌های نفت

در شهر بوشهر، برگزار می‌شود.

۲- معنای کلمات زیر را بنویسید.

ارز: عرض:
 مُلک: مَلک:
 ارض: ملک:

پاسخ: ارز = پول رایج / عرض = پهنا / ارض = زمین / مُلک = پادشاهی / مَلک = فرشته / ملک = خانه
 تمرین ۴: دوپهلوبودن عبارت‌های زیر را توضیح دهید.

الف) فرمانروای ظالمی یکی از مبارزان را دستگیر کرد و با او شرط کرد در صورتی که به فلان شخصیت در ملاً عام دشنام دهد، او را آزاد خواهد کرد. مبارز در برابر مردم گفت: ای مردم! فرمانروا از من خواسته است که فلان شخصیت را لعنت کنم. پس لعنت خدا بر او باد!

پ) میل دارید با ما غذا بخورید؟ نه میل ندارم.

پاسخ: الف) لعنت خدا بر او باد ← او: فرمانروای ظالم / شخص موردنظر پادشاه

پ) میل ندارم ← گرسنه نیستم / دوست ندارم

فعالیت‌های تکمیلی

۱- در عبارات زیر امکان پدید آمدن چه برداشت‌های متفاوتی وجود دارد؟ توضیح دهید.

الف) خانم پزشکی دیروز به عیادت بیماران آمد.

پ) شرکت سهند مانند شرکت سبلان رقیب مهمی برای شرکت ما نیست؛ به این ترتیب ما باید برای رقابت با رقبای اصلی خود برنامه‌ریزی کنیم.

پ) او گفت که این کتاب من است.

ت) مستمعان در پاسخ سخنرانی که می‌گفت: «افزایش بودجهٔ عمرانی دولت صحیح نیست»، گفتند: «صحیح است، صحیح است».

ث) چون از او گشتی همه‌چیز از تو گشت.

ج) سعید همسایه‌اش را تکریم می‌کند. او فرد متدینی است.

چ) عفو لازم نیست اعدامش کنید.

پاسخ: الف) خانمی که فامیلش پزشکی است. / خانمی که شغلش پزشکی است.

پ) شرکت سبلان رقیب مهمی است، ولی شرکت سهند مثل او رقیب مهمی نیست. / نه شرکت سهند و نه شرکت سبلان، رقبای مهمی نیستند.

پ) کتاب اوست. / کتاب من است.

ت) صحیح است در تأیید حرف سخنران / در مخالفت با حرف سخنران

ث) «گشت» به معنای روی گرداندن / تعلق داشتن

ج) ضمیر «او» معلوم نیست به چه کسی برمی‌گردد: سعید فرد متدینی است. / همسایه‌اش فرد متدینی است.

چ) تأکید برای دستور اعدام / صرف‌نظر از دستور اعدام

۳- نوع دلالت الفاظ زیر را از میان مطابقه، تضمّن و التزام، مشخص کنید.

الف) او حاتم‌بخشی می‌کند. پ) دزد ماشینم را برد

پ) کفشم را واکس زدم. ت) خانه خرابم کردی.

پاسخ: الف) حاتم ← التزامی، چون منظور از حاتم، باسخت و دست‌ودل‌بازی بخشیدن است که معنایی غیر از «حاتم» است.

پ) ماشینم ← مطابقی، چون دزد کل ماشین را برده است.

پ) کفشم ← تضمینی، چون مثلاً ته یا داخل کفش را واکس زده فقط روی آن را که بخشی از کفش است را واکس زده.

ت) خانه ← التزامی، چون منظور از «خانه»، زندگی است که مفهومی غیر از خانه است.

۴- نوع مغالطات زیر را تعیین کنید.

الف چرا تمرین‌ها را حل نمی‌کنی و نشسته‌ای کتاب داستان می‌خوانی؟ چون دبیرمان گفت بروید مطالعه کنید؛ نگفت بروید تمرین حل کنید!

ب سلمانی با تیغ دور سر فردی را اصلاح می‌کرد که ناگهان تیغ پوست وی را برید. سلمانی گفت: سر بریده که حرف نمی‌زند!

پاسخ الف مغالطه ابهام در عبارات (مطالعه کردن) **ب** مغالطه توسل به معنای ظاهری (بریدن)

۵- از میان کلمات و عبارات زیر سه مورد را مشخص کنید که بار ارزشی آن‌ها به ترتیب مثبت، منفی و خنثی باشند. برای این کار آن‌ها را در جملاتی به کار ببرید.

«لجوج، مصمم، متعصب، یک‌دنده، تزلزل‌ناپذیر، حرف‌نشنو، می‌گه مرغ یک پا دارد، حرف حرف خودش، کله‌شق، ثابت‌قدم، مقید، استوار، پایبند»

پاسخ مثبت ← محمد در کارهایش مصمم و ثابت‌قدم است.

منفی ← احسان، انسانی لجوج و یک‌دنده است.

خنثی ← زهرا پایبند به امور مذهبی است.

۶- نشان دهید چگونه با تغییر حرکات کلمات زیر معنای آن‌ها تغییر می‌کنند.

«گشت، شکر، سم، سحر، نشسته»

پاسخ گشت ← گشتن انسان / گشت ← کاشتن بذر

شکر ← شکرگزاری و تشکر کردن / شکر ← ماده‌ای شیرین

سم ← ماده‌ای کشنده و سمی / شم ← پای اسب

سحر ← صبح / بحر ← جادو

نشسته ← مخالف ایستادن / نشسته ← کثیف و سُسته‌نشده

سؤال‌های امتحانی

الف مغالطه‌های به‌کاررفته در عبارات زیر را مشخص کرده و آن‌ها را توضیح دهید.

۱- تا لحظه بیداری، وقتی نمانده است

۲- من تو را از خواهرت بیشتر دوست دارم.

۳- کار نیکان را قیاس از خود مگیر / گرچه باشد در نوشتن شیر، شیر

۴- من در اعتقادات خود ثابت‌قدم و استوار هستم؛ شما نسبت به پیش‌فرض‌های خود لجاجت و تعصب می‌ورزید.

۵- پلنگ به دنبال آهو بود که شکارچی به او شلیک کرد.

۶- ما گفته بودیم با حضور رئیس‌جمهور این کارخانه افتتاح خواهد شد؛ نگفتیم که کارخانه راه‌اندازی و بهره‌برداری می‌شود!

۷- میلو شویج فرماندهان جنگی خود را احضار کرد.

۸- آقای کلینتون با مسئولین نیروهای دفاعی به مشورت پرداخت.

۹- امشب صدای تیشه از بیستون نیامد / شاید به خواب شیرین، فرهاد رفته باشد

ب انواع دلالت بر لفظ را در عبارات‌های زیر مشخص کنید.

۱۰- از بس تند ورق زدی، کتابم را پاره کردی.

۱۱- در حال دیدن تلویزیون بودم که خوابم برد.

۱۲- در تصادفی که در کودکی داشتم، سرم شکست.

پ) به سؤال زیر پاسخ کامل دهید.

۱۳- چگونه ممکن است با استفاده از دلالت لفظ بر معنا مغالطه کرد؟ مثال بزنید.

ت) با به کارگیری کلمات زیر در عبارتهای مختلف نشان دهید چگونه بار ارزشی کلمات می تواند منجر به مغالطه شود.

۱۴- آرام و متین، گوشه گیر و منزوی

۱۵- سخاوتمند و بخشنده، ولخرج و اهل ریخت و پاش

۱۶- خوش مشرب و شوخ، بی ادب و گستاخ

۱۷- ساده، احمق

۱۸- یک رنگ، هفت رنگ

۱۹- ترسو، محتاط

ث) ابهام های نگارشی در عبارات زیر را مشخص کنید.

۲۰- در ملک او وقایع باشکوهی رخ داد.

۲۱- سحر چشمانش شگفت زده ام کرد.

۲۲- زبانان را از شکر لبریز کنید.



پاسخ سؤال‌های امتحانی

- ۱۰- دلالت تضمینی؛ کتاب حاکی از ورق‌های آن است.
- ۱۱- دلالت التزامی؛ منظور از دیدن تلویزیون دیدن برنامه‌های آن است که خارج از ماهیت ولی همواره همراه آن است. یعنی تا خود تلویزیون را نبینی، نمی‌توانی برنامه‌های آن را تماشا کنی.
- ۱۲- دلالت تضمینی؛ جزئی از سر (که احتمالاً منظورش جمجمه بوده) شکسته نه کل سرش.
- ۱۳- الفاظ بر معانی مختلفی دلالت دارند و اگر ما اقسام این دلالت را در جای نامناسبی استفاده کنیم، مغالطه کرده‌ایم. تازه این رو بگم که معمولاً این‌گونه مغالطه‌ها با بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی همراه است. مثلاً وقتی می‌گوییم خانه‌ات را به آتش می‌کشم، منظورم از خانه، مکان زندگی او نیست؛ بلکه به دلالت التزامی منظور خود زندگی اوست. منتها چون دلالت التزامی را در جمله‌ای به کار برده که ظاهرش بر دلالت تطابقی خانه معنا می‌دهد، مغالطه شده است.
- ۱۴-۱۹- (فرزندم! دلیرم! منو ببخش ولی پوای سوال‌های ۱۳ تا ۲۰ رو کاملاً وگذازم می‌کنم به خودت! از بسش برمی‌ای فقط بدون که بفت کلمه‌ها باید به منظور برسون، یکی با فاز مثبت، دیگری با فاز منفی! برو ببینم چه می‌کنی ...)
- ۲۰- واژه «ملک» به تناسب این‌که ضمه بگیرد یا کسره، معنایی متفاوت پیدا می‌کند. اگر بگوییم مُلک، عبارت این معنی را می‌دهد که در دوران پادشاهی‌اش وقایع باشکوهی اتفاق افتاد و اگر بگوییم ملک، به این معنی است که در خانه‌اش اتفاق باشکوهی رخ داد.
- ۲۱- در این‌جا هم «سحر» می‌تواند به دو نحو بیان شود؛ یکی به صورت اسم دختر (سحر) که در این صورت جمله راجع به چشمان سحر است. دیگری هم به معنای جادو (سحر) که در این حالت، جمله به این معنی درمی‌آید: جادوی چشمان او شگفت‌زده‌ام کرد.
- ۲۲- واژه شکر در این عبارت هم می‌تواند شکر خوراکی باشد و معنای کنایه‌ای داشته باشد، هم می‌تواند شکر باشد و به معنای تشویق به شکرگزاری باشد.

- ۱- اشتراک لفظ؛ بیداری می‌تواند به معنای بیداری از خواب باشد یا به صورت کنایه‌ای و در معنای هوشیاری و آگاهی باشد.
- ۲- ابهام در عبارات؛ معلوم نیست مخاطب را در مقایسه با خواهرش بیشتر دوست دارد یا میزان علاقه او به مخاطب از علاقه خواهرش به او بیشتر است!
- ۳- اشتراک لفظ «شیر»
- ۴- بار ارزشی کلمات؛ هر کسی می‌تواند هر اعتقادی داشته باشد ولی مقایسه واژه‌های اعتقاد و پیش‌فرض، هم‌چنین استوار و لجاجت، عملکرد یکسان دو طرف را متفاوت و دارای ارزش مثبت و منفی نشان داده؛ در صورتی که واقعاً تفاوتی ندارد!
- ۵- ابهام در عبارات؛ معلوم نیست شکارچی به پلنگ شلیک کرده یا به آهوا!
- ۶- توشل به معنای تحت‌اللفظی یا نحوه دلالت لفظ بر معنا؛ واژه افتتاح در این‌جا فقط به دلالت تطابقی استفاده شده و طرف گفته کارخانه را باز کردیم! درحالی‌که اصطلاح «افتتاح یک مکان» عرفاً به دلالت التزامی به کار می‌رود و به معنای راه‌اندازی و بهره‌برداری هم هست!
- ۷- بار ارزشی کلمات؛ «احضار» فرماندهان جنگی در وهله اول، بار ارزشی منفی دارد و هر مخاطبی را می‌ترساند! در حالی‌که در واقعیت ممکن است هیچ دلیل خاص وحشتناکی نداشته باشد! انگار گوینده فواسته موضوع رو حساس جلوه بده!
- ۸- بار ارزشی کلمات؛ دقیقاً برعکس مثال بالا «مسئولین نیروهای دفاعی» و «مشورت» یک تأثیر آرام‌تری روی مخاطب می‌گذارد و او را چندان آشفته نمی‌کند! پس بار ارزشی مثبت دارد. در حالی‌که ممکن است قضیه کاملاً امنیتی و خطرناک باشد اتفاقاً!
- ۹- الفاظ مشترک؛ خواب شیرین دو معنی دارد. یکی این‌که فرهاد به خوابی شیرین و عمیق رفته و کار نمی‌کند، دیگری این‌که قضیه کلاً مربوط به شخص شیرینه که داره خواب می‌بیند فرهاد کلاً جمع کرده رفته! ... 😊

سؤال‌های چهارگزینه‌ای

- ۱- اشتباه گرفتن کلماتی که ظاهری مشترک دارند، کدام مغالطه را ایجاد می‌کند؟
 (۱) شیوه نگارش کلمات (۲) اشتراک لفظ (۳) الفاظ مترادف (۴) ابهام در عبارات
- ۲- مغالطه «کودک تا پدرش را دید، لباسش را مرتب کرد.» چگونه مغالطه‌ای است؟
 (۱) بار ارزشی کلمات (۲) شیوه نگارش کلمات (۳) توسل به معنای ظاهری (۴) ابهام در عبارات
- ۳- عبارات «بفرمایید - بنشینید - بتمرکید» چه مغالطه‌ای را می‌توانند ایجاد کنند؟
 (۱) توسل به معنای ظاهری (۲) بار ارزشی کلمات (۳) الفاظ مترادف (۴) ابهام در عبارات
- ۴- در جمله «استاد غلامحسین یوسفی را ادیبی برجسته معرفی کرد.» چه مغالطه‌ای دارد؟
 (۱) بار ارزشی کلمات (۲) ابهام در عبارات (۳) شیوه نگارش کلمات (۴) گزینه‌های ۲ و ۳
- ۵- وقتی می‌گوییم «خورشید گرفت» و اشاره به واقعه کسوف جزئی داریم، چه دلالتی به کار بردیم؟
 (۱) التزامی (۲) تضمنی (۳) مطابقی (۴) گزینه‌های ۱ و ۲
- ۶- کدام یک از دلالت‌های زیر با بقیه فرق دارد؟
 (۱) ایران خانه من است. (۲) او صاحب قلم است.
 (۳) رنگ رخساره خبر می‌دهد از سز درون. (۴) او همچون شیر در میدان جنگ ظاهر شد.

پاسخ سؤال‌های چهارگزینه‌ای

- ۱- گزینه «۲» اشتباه گرفتن کلماتی که معنای ظاهری مشترک دارند، به مغالطه اشتراک لفظ منتهی می‌شود.
- ۲- گزینه «۴» ابهام موجود در عبارت فوق باعث شده تا نفهمیم کودک لباس خودش را مرتب می‌کند یا لباس پدرش را.
- ۳- گزینه «۲» این سه واژه تنها از جهت بار ارزشی متفاوت‌اند ولی معنای یکسانی دارند.
- ۴- گزینه «۴» به خاطر شیوه نگارش، ۲ منظور را می‌توان از این جمله فهمید: (۱) استاد، غلامحسین یوسفی را ادیبی برجسته معرفی کرد. (۲) استاد غلامحسین یوسفی را، ادیبی برجسته معرفی کرد.
- ۵- گزینه «۲» چون کسوف جزئی است، بخشی از خورشید گرفته و نه تمام آن. پس این عبارت دلالت تضمنی بر بخشی از خورشید دارد.
- ۶- گزینه «۳» این گزینه دارای دلالت مطابقی (رخساره = تمام چهره) است. در حالی که سایر گزینه‌ها دارای دلالت التزامی هستند. خانه در گزینه (۱) ← سرزمین / قلم در گزینه (۲) ← فهم و قدرت سخنوری / شیر در گزینه (۴) ← شجاعت